

تهران در روزگار جنگ



حوالی ظهر ۲۱ شهریور ۱۳۵۹ جنگنده‌های ارتش بعثی عراق وارد آسمان تهران شدند و فرودگاه مهر آباد را بمباران کردند. اینگونه پایتخت نخستین بار به‌طور مستقیم درگیر جنگ شد. در ویژه‌نامه نخستین‌های روزهای دفاع مقدس در پایتخت سراغ روایت‌ها و داستان‌هایی از زنان و مردان تهرانی رفتیم که در تاریخ جنگ تحمیلی ماندگار شدند. نخستین بانوی عکاس و خبرنگار جنگ، نخستین شهید ارمنی و زرنشتی دفاع مقدس، نخستین پناهگاه‌های شهر، نخستین محله‌های تهران که بمباران شد، نخستین گردان موتوری جنگ که به دستور شهید چمران با عضویت جوان‌های موتور کراس سوار تهرانی راه‌اندازی شد و ماجرای جوان‌ترین فرمانده تهرانی در جبهه‌ها را در این شماره بخوانید. در این ویژه‌نامه با مهرشاد کاظمی و نصرالله حدادی تهران‌پژوه، حمید فتحی از گردان موتورسواران چمران، سیداحمد معصومی نژاد مستندساز دفاع مقدس، بهروز میرزایی مسئول فناوری اطلاعات باغ‌موزه دفاع مقدس، آرتوش اسکندری عضو انجمن ارمنه تهران، گل‌علی بابایی نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس، صداقت پورعباسی از معتمدان منطقه ۱۷ و غلامعلی فخروری فرمانده پایگاه مسجد حضرت ابوالفضل (ع) محله تولید دارو گفت‌وگو کرده‌ایم.

نوای یاحسین‌ع در میدان سپاه



طلالقانی، پایگاه‌های مقاومت بسیج شامل شمیرانات، مالک اشتر در خاوران، مقداد در میدان جمهوری، شهید بهشتی در محدوده نارمک، ابوذر در فلاح و مرکز بسیج ادارات نیز به مراکز اعزام نیرو تبدیل شدند. حسین صدری، رزمنده دوران دفاع مقدس ساکن محله نازی‌آباد، می‌گوید: «معمولاً قبل از اعزام‌ها همایش‌هایی در ورزشگاه آزادی و شهید شیرودی برگزار می‌شد تا روحیه مردم و رزمنده‌ها تقویت و روحیه دشمن تضعیف شود. من و بچه‌محل‌های اعزامی هم در سال ۶۱ در یکی از این همایش‌ها در ورزشگاه آزادی حضور داشتیم. انبوه رزمندگان، حرکت پرچم‌ها و سربندهای سبز «یا حسین» خیلی با عظمت بود. دل ما را می‌لرزاند چه برسد به دشمن!»

پادگان ولیعصر (عج) در میدان سپاه بود که به‌عنوان مرکز فرماندهی واحد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ انتخاب شد. اوایل انقلاب این پادگان نقش مهمی در حفظ انقلاب نوپای اسلامی ایفا کرد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مقابله با جریان‌های ضدانقلاب در تهران و شهرهای مختلف کشور، تأمین کادر فرماندهی سپاه تهران و دیگر شهرها، حفاظت از شخصیت‌ها و گشت شهری اشاره کرد. «آنطور که میرزایی بر ایمان تعریف می‌کند نخستین نیروهای پادگان ولیعصر (عج) افرادی مذهبی، مخلص و مبارز بودند که قبل از انقلاب با رژیم شاه مبارزه می‌کردند. بعدها پادگان امام حسن مجتبی (ع) در حوالی میدان شهید کلاه‌دوز، محل لانه جاسوسی آمریکا در خیابان

موضوع: نخستین محل اعزام داوطلبان به جبهه
شرح: سازماندهی اعزام سریع نیروهای مردمی از محله‌های شهر به مناطق عملیاتی

در اوایل جنگ هیچ سازماندهی‌ای برای اعزام داوطلبان به جبهه در تهران وجود نداشت و تنها دستور امام خمینی (ره) بود که سپاه و نیروهای مردمی را به خط کرد تا این امر مهم سر و سامان پیدا کند. نخستین مکانی که داوطلبان تهرانی را به‌طور منسجم و سازماندهی شده به جبهه‌های نبرد فرستاد، پادگان ولیعصر (عج) بود. بهروز میرزایی، استاد دانشگاه و رئیس سابق باغ‌موزه دفاع مقدس تهران، می‌گوید: «اولین مجموعه تاسیسی سپاه پاسداران،

یک تهران بود و یک پایگاه مقداد



موضوع: بزرگ‌ترین پایگاه پشتیبانی مردمی و ویژگی: پشتیبانی خودجوش و مردمی روزهای جنگ

آتش جنگ که شعله‌ور شد، مردم از همان روزهای اول به‌صورت خودجوش دست به کار شدند تا هر کسی به نوبه خود برای دفاع از آب و خاک و تمامیت ارضی کشور سهمش را ادا کند. یکی از نخستین کارها تشکیل پایگاه مردمی بسیج و سپاه در مساجد، محله‌ها، مراکز فرهنگی و هر جایی بود که می‌شد پاتوقی برای کمک به رزمندگان باشد. پایگاه مقداد در میدان جمهوری، یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین پایگاه‌های پشتیبانی مردمی و اعزام نیرو به جبهه در غرب و حتی در کل تهران طی روزهای جنگ بود. سیداحمد معصومی نژاد، مستندساز جنگ، با بیان این مطلب می‌گوید: «وقتی جنگ شروع شد، هنوز سپاه و بسیج مثل امروز متشکل و سازمان یافته نبود و بیشتر مناطق و محله‌ها درگیر شکل‌گیری گروه‌های مردمی و پشتیبانی بودند. آن زمان ساختمان ستادی پایگاه مقداد با وجود اینکه تنها یک ساختمان چندطبقه در میدان جمهوری اسلامی تهران بود، اما فعالیت‌هایش از نظر وسعت محیط پیرامونی یک سوم تهران را در بر می‌گرفت و بسیاری از نقاط حیاتی، امنیتی و فرهنگی مانند ریاست جمهوری، ساختمان سابق مجلس شورای اسلامی و ساختمان قوه قضاییه تا فرودگاه، نماز جمعه و بیشتر وزارتخانه‌ها، کارخانه‌ها، بیمارستان‌ها، هتل‌ها و مراکز علمی و تجاری در محیط استحفاظی پایگاه مقداد بود. نکته جالب ماجرا اینجاست که فضای ساختمان مقداد آپارتمانی بود و از آنجا که حیاط نداشت بیشتر کارهای پشتیبانی در محوطه پیاده‌رو و میدان جمهوری انجام می‌شد.» آنطور که معصومی نژاد تعریف می‌کند در پایگاه مقداد که از معروف‌ترین پایگاه‌های پشتیبانی تهران محسوب می‌شد فعالیت‌های زیاد از جمله تهیه و بسته‌بندی غذا، لباس، پتو و... انجام می‌گرفت و حتی بسیاری از کارهای بهسازی و تعمیر لوازم مورد نیاز رزمندگان مانند دوخت و دوز لباس‌ها در دل همین پایگاه انجام می‌شد. در روزهای جنگ حتی تا چندمتر پیاده‌روهای اطراف پایگاه را داربست و چادر زده بودند و بین رزمندگان در حال اعزام، اقلام مورد نیازشان را توزیع می‌کردند و یکی از اقلام لباس فرم جنگ بود.

جنگ‌زدگان در هتل بین‌المللی پایتخت



ویژگی: سکونت موقت ۶۵۰ خانوار در هتل حاشیه پل سیدخندان
شرح: آوارگان جنوب کشور که در جنگ خانه و زندگی‌شان را از دست داده بودند در هتل اینترنشنال تهران ساکن شدند

روزگاری جنوبی‌ها، مجانی مهمان هتل بین‌المللی و پنج‌ستاره‌ای در تهران بودند که پاتوق متمولان شهر و مهمانان خارجی محسوب می‌شد. این اتفاق زمانی رخ داد که جنوب کشور مورد آماج حملات موشکی قرار گرفت و خانه‌ها زیر بمباران عراق تخریب و ساکنان آن آواره شدند. بیش از ۶۵۰ خانواری که در این حملات بی‌خانمان و آواره شده بودند، راهی تهران شدند و در هتل اینترنشنال ساکن شدند. مهرشاد کاظمی، تهران‌پژوه درباره این هتل و اسکان آوارگان در آن روایت می‌کند: «اواخر دهه ۳۰ بود که مراحل ساخت بزرگ‌ترین هتل بین‌المللی تهران در تقاطع خیابان شریعتی و بزرگراه سردار سلیمانی آغاز شد و بعد از گذشت چندسال، این هتل مکانی برای رفت‌وآمد مهمانان خارجی و متمولان داخلی بود. هتل بین‌المللی تهران در اوج فعالیتش با ۱۸۵۰ اتاق در حال فعالیت بود که عدد بزرگی است. هتل اینترنشنال در دهه ۵۰ ساختمانی عظیم بود و با برگزاری مسابقات نظیر «زیباترین گربه ایرانی» یا دعوت از خوانندگان مطرح آن دوران تلاش می‌کرد تا با رقبا پنجه در پنجه شود. در بجه‌رو روزهای انقلاب هتل توسط شورای کل‌کنانش همچنان میزبان مهمانان داخلی و خارجی بود. اما بعدتر برای برگزاری مسابقات ورزشی از

کنند و بفرستند. اجرای این برنامه‌ها تا حدودی شرایط را بهتر کرد و کمی از نگرانی خانواده‌ها کاست و جنگ که تمام شد خانواده‌ها نفس راحتی کشیدند و کم‌کم قرار شد به شهرشان برگردند. با رفتن مهاجران، کم‌کم هتل به ساختمانی متروکه و امن برای آسیب‌های اجتماعی تبدیل شد. سرانجام در آخرین راینی‌ها، شرکت مخابرات ایران صاحب هتل شد تا ساختمان متروکه را دوباره بسازد. اما اکنون جز تلسی خاک و زمینی مسطح چیزی باقی نمانده است.

آن استفاده شد. این مکان اوایل دهه ۱۳۶۰ در دوران جنگ ایران و عراق، در اختیار بنیاد آسیب‌دیدگان قرار گرفت و مردم جنگ‌زده جنوب کشور که اغلب خرمشهری و آبادانی بودند به این هتل پناه آوردند. در برهه‌ای از زمان، بنیاد مهاجران تصمیم گرفت برای رفاه حال ساکنان به‌ویژه بانوان و کودکان کاری بکند؛ سالن غذاخوری و رستوران به اتاق بازی کودکان و محل انجام کارهای فرهنگی بانوان تبدیل شد تا آموزش بافتنی و خیاطی ببینند، هم سرگرم شوند و هم برای عزیزانشان که در رزم بودند هدایایی تهیه